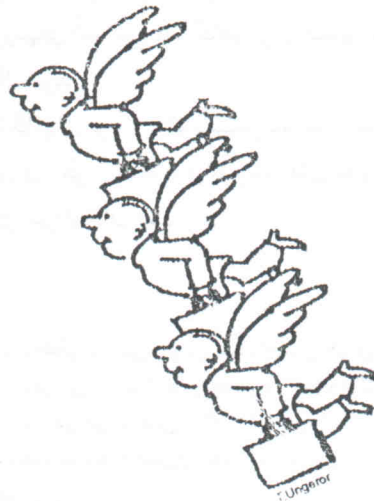


تحصیلات تکمیلی در ایران: تنگناها و راهکارها



ابوالحسن وفانی

استاد دانشکده مهندسی عمران

دانشگاه صنعتی شریف

«تعداد دانشگاههای کشورهای مسلمان از ۴۰۰ تجاوز نمی‌کند در حالی که برخی از کشورهای غربی هر یک بیش از هزار دانشگاه دارند. مجموع تولید ناخالص ملی ۵۳ کشور مسلمان به ۹۵۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد که کمتر از تولید ناخالص ملی فرانسه (۱۲۰۰ میلیارد دلار) است. صادرات کشورهای مسلمان تنها ۷ درصد تجارت جهانی را شامل می‌شود که بخش عمده آن صادرات مواد خام است.»^[۱] این واقعیت‌های تلخ و تکان‌دهنده گزیده‌ای از سخنان منیر احمدخان رئیس پیشین آژانس اتمی کشور پاکستان در تحلیل وضعیت علم و تکنولوژی در کشورهای اسلامی است. او در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه می‌رسد که کلید توسعه علمی، تحصیلات عالی و تربیت نیروی متخصص است. وی معتقد است که کشورهای اسلامی در صورت عدم حمایت قوی و بلند مدت از دانشمندان و متخصصان در قرن آینده با وضعیت مخاطره‌آمیزی روبرو خواهند بود.

نقش آموزش عالی در توسعه امری پذیرفته شده و روشن است. شاید هیچ کشور توسعه‌یافته‌ای را نتوان یافت که از یک نظام آموزش عالی مناسب و درخور بهره‌مند نباشد. در این میان، دوره‌های تحصیلات تکمیلی از اهمیت بیشتری برخوردارند. زیرا به تربیت پژوهشگران و نیز پیشبرد دانش و فن‌آوری می‌پردازند. وقوف به نقش و اهمیت این دوره‌ها، نظام آموزش عالی کشورمان را بویژه در سالهای اخیر به حرکتی چشمگیر در جهت گسترش و راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی برانگیخته است. این تلاش، گر چه مانند هر حرکت نوینی با نارسایی‌هایی روبرو است اما در عین حال تحرکی تازه و نوید بخش به دانشگاهها بخشیده است. به مدد توسعه این دوره‌ها، کار پژوهش رونقی تازه گرفته و تعداد مقالات علمی در مجلات معتبر بین‌المللی افزایش یافته است.^[۲] استادان این باور و شهادت را در خود یافته‌اند که عهده‌دار این کار بزرگ شوند و به تربیت دانشجویان دوره‌های دکترا بپردازند. آنان اینک می‌روند تا شانه به شانه همگان خود در دانشگاههای معتبر جهان، دانشجویان و پژوهشگران جوان را در راه کشف حقایق تازه علمی و مآلا گسترش مرزهای دانش هدایت کنند. نظر به اهمیت تحصیلات تکمیلی، مجله «شریف» بر آن شد تا مستقیماً به بررسی وضعیت و روند تحصیلات تکمیلی در دانشگاههای تحت پوشش وزارت فرهنگ و آموزش عالی بپردازد. مقاله حاضر تجزیه و تحلیلی است درباره اطلاعاتی که ۱۵ دانشگاه کشور در این زمینه در اختیار نشریه قرار داده‌اند.

سابقه تحصیلات تکمیلی در ایران

از عمر دوره‌های تحصیلات تکمیلی در ایران به مفهوم امروزی آن بیش از چند دهه نمی‌گذرد. اما اگر با نظری گسترده‌تر به تاریخچه تحصیلات عالی در کشورمان بنگریم، در می‌یابیم که کشور ما یکی از طلایه‌داران بزرگ دانش بشری در جهان بوده است. در دوران قبل از اسلام، می‌توان به دانشگاه جندی شاپور اهواز اشاره کرد که طی چند قرن از مراکز مهم علمی جهان به شمار می‌رفت و استادان آن در سطوح عالی به تدریس علوم پزشکی، ریاضیات، فلسفه و نجوم اشتغال داشتند.

در سده‌های نخستین تمدن اسلامی نیز دانشمندان و پژوهشگران

مسلمان در دوره‌های عالی به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند در آن زمان نیز دانشجویان بر حسب میزان معلومات و دانش خود به طبقات مختلف تقسیم‌بندی شدند و بنابر تشخیص استاد خود به مرحله بالاتر راه می‌یافتند. تاج‌الدین عبدالوهاب سبکی، در مورد ارتقاء خود به سطح عالی چنین می‌نویسد:

«آنگاه که مزی (استاد او) از میزان تحصیلات و معلومات من آگاه شد دستور داد که نام مرا در طبقه عالی بنویسند.»^[۳]

طبقه عالی و ویژه دانشجویانی بود که در مراحل نهائی تحصیل بودند. و به زبان امروزی به تحصیلات تکمیلی اشتغال داشتند. اما تحصیلات

جدول ۱- مقایسه تعداد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به تفکیک گروه آموزشی در سال تحصیلی ۷۶-۷۷.

گروه	دوره	کارشناسی ارشد		جمع
		دکتری	حرفه‌ای	
علوم انسانی	۶۹۵۸	۱۴۵۴	۰	۸۴۱۲
علوم پایه و پایه پزشکی	۳۹۹۴	۸۷۷	۰	۴۸۷۱
کشاورزی و دامپزشکی	۲۳۴۹	۱۷۶۰	۴۷۱	۴۵۸۰
فنی و مهندسی	۶۱۱۴	۰	۸۹۴	۷۰۰۸
هنر	۳۸۸۸	۰	۷۵	۳۹۶۳
جمع	۲۳۳۰۳	۳۷۷۱	۱۷۶۰	۲۸۸۳۴

جدول ۲- مقایسه تعداد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به تفکیک گروه آموزشی طی سالهای تحصیلی ۷۳-۷۴، ۷۴-۷۵، ۷۵-۷۶ و ۷۶-۷۷.

گروه	سال	دوره			میانگین رشد سالانه
		۷۲-۷۳	۷۴-۷۵	۷۶-۷۷	
علوم انسانی	کارشناسی ارشد	۵۸۰۰	۶۷۴۰	۶۹۵۸	۵
	دکتری	۶۸۰	۱۰۰۶	۱۴۵۴	۲۱
علوم پایه و پایه پزشکی	کارشناسی ارشد	۲۴۷۲	۳۲۳۱	۳۹۹۴	۱۳
	دکتری	۲۰۴	۶۳۶	۸۷۷	۴۴
کشاورزی و دامپزشکی	کارشناسی ارشد	۱۳۰۳	۱۵۳۳	۲۳۴۹	۱۶
	دکتری حرفه‌ای	۱۴۷۳	۱۵۶۹	۱۷۶۰	۵
	دکتری تخصصی	۱۱۳	۲۴۲	۴۷۱	۴۳
فنی و مهندسی	کارشناسی ارشد	۵۰۱۰	۵۱۶۱	۶۱۱۴	۵
	دکتری	۲۴۰	۶۰۱	۸۹۴	۳۹
هنر	کارشناسی ارشد	۲۵۸۶	۷۰۵	۳۸۸۸	۱۱
	دکتری	۱۶	۴۵	۷۵	۴۷
جمع	کارشناسی ارشد	۱۷۱۷۱	۱۷۳۷۰	۲۳۳۰۳	۸
	دکتری حرفه‌ای	۱۴۷۳	۱۵۶۹	۱۷۶۰	۵
	دکتری تخصصی	۱۲۵۳	۲۵۳۰	۳۷۷۱	۳۲

جدول ۳- مقایسه تعداد فارغ‌التحصیلان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به تفکیک گروه آموزشی در سال تحصیلی ۷۶-۷۷.

گروه	دوره	کارشناسی ارشد		جمع
		دکتری	حرفه‌ای	
علوم انسانی	۱۷۲۷	۱۲۲	۰	۱۸۴۹
علوم پایه و پایه پزشکی	۹۱۲	۴۸	۰	۹۶۰
کشاورزی و دامپزشکی	۶۴۰	۲۲۸	۱۱	۸۷۹
فنی و مهندسی	۱۳۶۰	۰	۳۹	۱۳۹۹
هنر	۲۹۹	۰	۰	۲۹۹
جمع	۴۹۳۸	۲۲۸	۲۲۰	۱۶۹۸

تکمیلی به مفهوم رایج امروزی آن در ایران همزمان با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ آغاز شد. در آن سال، همزمان با راه‌اندازی دوره‌های کارشناسی، چند دوره کارشناسی ارشد پیوسته نیز در رشته‌های برق، راه و ساختمان، معدن و مکانیک در دانشگاه تهران آغاز به کار کرد [۴]. این درحالی است که تأسیس دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته به دهه ۱۳۳۰ بازمی‌گردد و تا سال ۱۳۴۹ حدود ۴۰ دوره کارشناسی ارشد در رشته‌های مختلف علمی در دانشگاه تهران گشایش یافت.

براساس اطلاعات موجود، به نظر می‌رسد اولین پایان نامه دکترا در ایران، رساله دکتر محمد معین در رشته زبان و ادبیات فارسی است که در سال ۱۳۲۱ نگاشته شده است. پس از آن می‌توان از تأسیس دوره دکترا در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ نام برد که اولین فارغ‌التحصیل آن مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی بود.

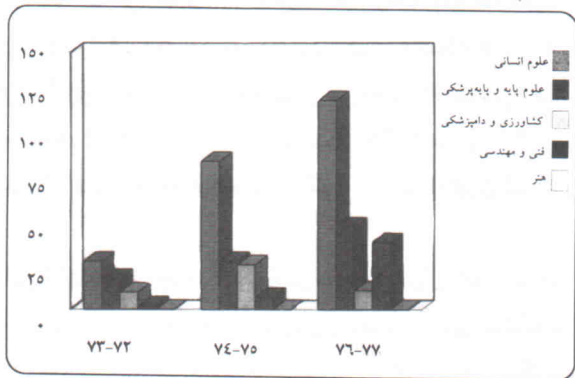
از سال ۱۳۳۳، تأسیس دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته آغاز شد و رو به فزونی نهاد به طوری که در سال ۱۳۵۳ دانشگاه تهران مجری ۶۷ دوره کارشناسی ارشد بوده است.

دوره‌های تحصیلات تکمیلی پس از انقلاب و بویژه در سالهای اخیر با رشد فزاینده‌ای روبرو بوده است بطوری که تعداد این دوره‌ها تا سال ۷۲ در دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به ۶۲۸ دوره رسید که ۴۹۰ دوره آن در سطح کارشناسی ارشد و ۱۳۸ دوره آن در سطح دکترا فعالیت داشته‌اند.

براساس اطلاعات جدول شماره ۱، در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ مجموع دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی ۲۸ هزار و ۸۳۴ نفر است که از این تعداد، ۲۳ هزار و ۳۰۳ نفر در دوره کارشناسی ارشد و مابقی در دوره دکترا مشغول به تحصیل هستند. جدول ۱ مقایسه تعداد دانشجویان را به تفکیک رشته و مقطع تحصیلی نشان می‌دهد. در نمودار ۱ نیز، درصد تعداد دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، به تفکیک گروه‌های تحصیلی نشان داده شده است. همین مقایسه برای سالهای تحصیلی ۷۳-۷۴، ۷۴-۷۵ و ۷۶-۷۷ نیز در جدول و نمودار ۲ منعکس شده است.

جدول شماره ۳ تعداد فارغ‌التحصیلان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وزارت فرهنگ و آموزش عالی را به تفکیک گروه آموزش در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ نشان می‌دهد. از مجموع کل دانشجویان فارغ‌التحصیل شده در دوره تحصیلات تکمیلی ۴۹۳۸ نفر در دوره کارشناسی ارشد و ۴۴۸ نفر در دوره دکترا فارغ‌التحصیل شده‌اند. نمودار شماره ۳ حالت درصدی فارغ‌التحصیلان را به تفکیک دوره تحصیلی و گروه‌های تحصیلی نشان می‌دهد. همین

نمودار ۴- مقایسه تعداد فارغ‌التحصیلان دوره‌های دکتری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، به تفکیک گروه آموزشی، طی سالهای تحصیلی ۷۲-۷۳، ۷۴-۷۵ و ۷۶-۷۷.



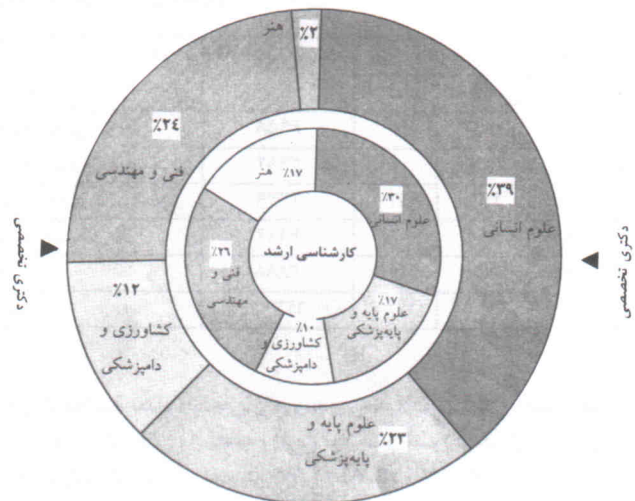
جدول ۴- مقایسه تعداد فارغ‌التحصیلان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به تفکیک گروه آموزشی طی سالهای تحصیلی ۷۲-۷۳، ۷۴-۷۵ و ۷۶-۷۷.

گروه	سال	۷۲-۷۳	۷۴-۷۵	۷۶-۷۷	میانگین رشد سالانه
علوم انسانی	کارشناسی ارشد	۶۳۷	۱۳۸۶	۱۷۲۷	۲۸/۳۲
	دکتری	۲۸	۸۶	۱۲۲	۴۴/۴۸
علوم پایه و پایه پزشکی	کارشناسی ارشد	۳۵۳	۶۴۷	۹۱۲	۲۶/۷۸
	دکتری	۱۸	۲۸	۴۸	۲۷/۷۹
کشاورزی و دامپزشکی	کارشناسی ارشد	۱۰۷	۴۲۰	۶۴۰	۵۶/۳۹
	دکتری حرفه‌ای	۲۲۶	۱۶۴	۲۲۸	۰/۲۲
دکتری تخصصی	دکتری تخصصی	۱۰	۲۶	۱۱	۲/۴۱
	کارشناسی ارشد	۵۶۱	۹۸۰	۱۳۶۰	۲۴/۷۸
فنی و مهندسی	کارشناسی ارشد	۲	۷	۳۹	۱۱۰/۱۴
	دکتری	۲۱۹	۶۱	۲۹۹	۸/۱۰
هنر	کارشناسی ارشد	۰	۰	۰	۰
	دکتری	۰	۰	۰	۰
جمع	کارشناسی ارشد	۱۸۷۷	۳۴۹۴	۴۹۳۸	۲۷/۳۶
	دکتری حرفه‌ای	۲۲۶	۱۶۴	۲۲۸	۰/۲۲
	دکتری تخصصی	۵۸	۱۴۷	۲۲۰	۳۹/۵۶

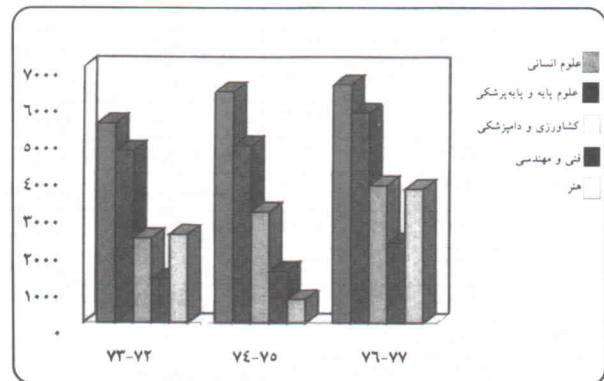
وضعیت برای سالهای ۷۲-۷۳ و ۷۴-۷۵ و ۷۶-۷۷ در جدول و نمودار شماره ۴ نیز نشان داده شده است.

تنگناها و موانع موجود در راه پیشبرد تحصیلات تکمیلی بدیهی است هر حرکت نو و تازه‌ای با برخی مشکلات و موانع روبرو می‌گردد که باید با درایت و تدبیر با آنها برخورد شود. گسترش تحصیلات تکمیلی در سالهای اخیر طبعاً دانشگاهها را با افق تازه‌ای روبرو ساخته و در نتیجه با مسائل جدیدی نیز مواجه کرده است که در پی می‌آید.

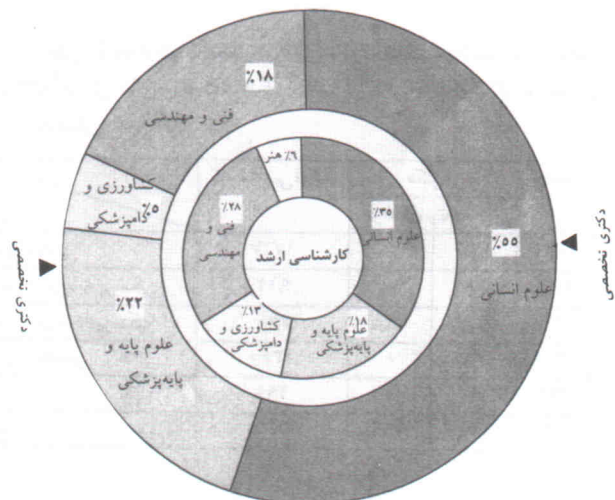
نمودار ۱- سهم هریک از گروههای آموزشی از میزان کل دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در سال ۷۶-۷۷.



نمودار ۲- مقایسه تعداد دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، به تفکیک گروه آموزشی، طی سالهای تحصیلی ۷۲-۷۳، ۷۴-۷۵ و ۷۶-۷۷.



نمودار ۳- سهم هریک از گروههای آموزشی از میزان کل فارغ‌التحصیلان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در سال ۷۶-۷۷.



بسیاری از دانشگاهها از کمبود کتابها و مجلات علمی، مواد و لوازم و تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی مورد نیاز دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا رنج می‌برند و خواستار غنی‌تر ساختن منابع و تجهیزات علمی موجود دانشگاهها جهت بهبود کیفی این دوره‌ها هستند.

ساختار سازمانی

دانشگاههای مورد بررسی، عدم وجود سازمانی مشخص و تعریف شده برای تحصیلات تکمیلی را از جمله تنگناهای موجود در این زمینه می‌دانند. به علاوه این تصور نیز وجود دارد که بخش تحصیلات تکمیلی در دانشگاهها صرفاً یک واحد خدمات آموزشی است که بعضاً به انجام امور موازی با معاونت آموزشی دانشگاهها می‌پردازد. همچنین تصور بر آن است که نوعی تداخل بین وظایف معاونت پژوهشی دانشگاهها و بخش مربوط به تحصیلات تکمیلی که عمدتاً بر پژوهش متمرکز است وجود دارد که خود باعث نوعی ابهام در تعریف نقش سازمانی آنها می‌گردد.

سؤال مهمی که در این ارتباط باید پاسخ داده شود آن است که آیا تحصیلات تکمیلی باید زیر نظر معاونت جداگانه‌ای در دانشگاهها اداره و هدایت شود و یا آنکه می‌تواند در متن و بطن هر دانشکده بدون نیاز به تشکیلات خاص و جداگانه‌ای اجرا و هدایت شود. اگر چه در حال حاضر تشکیلات خاصی در هر دانشگاه برای تحصیلات تکمیلی پیش بینی شده و به کار مشغول است اما ابهامات بسیاری از نظر تعریف و تداخل وظایف این بخش با سایر بخشهای دانشگاه بچشم می‌خورد.

چنانکه دانشگاههای مورد بررسی، گزارش کرده‌اند ابهام و نارسائی در آئین‌نامه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا و نیز تداخل برخی از آئین‌نامه‌ها و دستورالعملها با یکدیگر از جمله مسائلی است که روند انجام کارها را مشکل‌تر می‌سازد.

تنگناهای مالی

مشکلات مادی و معیشتی استاد و دانشجو از جمله مسائل دیگری است که بر کیفیت تحصیلات تکمیلی تأثیر می‌گذارد و عملاً مانع حضور جدی و فعال استاد و دانشجو در صحنه درس و تحقیق می‌گردد. دانشجوی «تمام وقت» در واقع نامی بی‌مسماست که کمتر مصداق آن را می‌توان یافت. قریب به اتفاق دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به دلیل گرفتاریهای مادی و معیشتی ناگزیر از اشتغال در دوران تحصیل می‌باشند و نمی‌توانند به کار تحصیل و تحقیق به طور شایسته اهتمام ورزند. آنچه

که به عنوان کمک هزینه به دانشجویان تحت پوشش بورس داخل نیز پرداخت می‌شود عملاً تکافوی هزینه آنان را نمی‌کند. از سوی دیگر استادان نیز بدلیل تنگناهای معیشتی ناگزیر از تدریس بیش از ساعات موظف می‌باشند. در عین حال، تدریس در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، بدلیل حق الزحمه ناچیز آن، جاذبه مادی خاصی برای استادان ندارد. بدیهی است اینگونه مشکلات باعث افت تحصیلی دانشجویان و کیفیت پایین تحصیلات تکمیلی خواهد شد و نتایج مورد نظر از توسعه این دوره‌ها بدست نخواهد آمد. بدین ترتیب، هرگونه اصلاح جدی و اساسی در جهت بهبود این دوره‌ها طبعاً با دیگر جنبه‌های زندگی دانشگاهی پیوند ناگسستنی دارد که نیازمند توجه سیاست‌گذاران علمی کشور می‌باشد.

کمبود بودجه برای راه‌اندازی و اجرای دوره‌های تحصیلات تکمیلی از دیگر موانعی است که دانشگاهها با آن روبرو هستند. بسیاری از دانشگاهها از کمبود کتابها و مجلات علمی، مواد و لوازم و تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی مورد نیاز دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا رنج می‌برند و خواستار غنی‌تر ساختن منابع و تجهیزات علمی موجود دانشگاهها جهت بهبود کیفی این دوره‌ها هستند.

روند پربییج و خم اداری و مالی از جمله مسائلی است که چون زنجیری همچنان بر دست و پای دانشگاهها سنگینی می‌کند و انجام بسیاری از کارها را کند یا ناممکن می‌سازد. این روند در تهیه لوازم و مواد ضروری برای تحقیق و پژوهش بسیار فلج‌کننده و نامتناسب است و استاد و دانشجو رانج می‌دهد. دیوانسالاری اداری و مالی کار برقراری ارتباط با دانشگاهها و مراکز علمی خارج از کشور را دشوار می‌سازد و امکان استفاده از فرصتهای مطالعاتی، کنفرانسها و محافل علمی بین‌المللی را محدود می‌کند.

عدم هماهنگی دانشگاهها در امر تحقیقات

عدم هماهنگی دانشگاههای مختلف کشور بعضاً به تحقیقات موازی و ارائه پایان‌نامه‌هایی با موضوعات مشابه می‌انجامد که باید از آن پرهیز شود، همچنین باور دانشگاهها بر این است که موضوعات پایان‌نامه‌ها با

برای تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های داخل، می‌توان از یکسو اعزام دانشجویان به خارج را به رشته‌های خاص و مورد نیاز کشور محدود کرد و از سوی دیگر در جهت ارتقاء کیفی و روزآمد کردن دانش علمی استادان به تلاشی درخور دست زد.

کشور صورت گیرد در غیر آن صورت با مشکل بیکاری فارغ‌التحصیلان سطوح عالی مواجه خواهیم شد. این همه جز با الزام دانشگاه‌های غیردولتی و سایر دستگاه‌های اجرایی به تبعیت از سیاست‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی ممکن نیست.

آنچه مایه حیات و رشد استاد و دانشجو در این دوره‌هاست ارتباطات علمی سهل و آسان در داخل و خارج کشور است. اگر چه در حال حاضر دانشگاه‌های ما هنوز نتوانسته‌اند چنین امکانی را جهت دسترسی به منابع خارجی تسهیل کنند اما کارهای ناتمام در زمینه ارتباطات علمی بین دانشگاه‌های داخل نیز بسیار است. هر دانشجوی کارشناسی ارشد و دکترا باید به آسانی بتواند حداقل به فهرست و چکیده مقالات، پایان‌نامه‌ها، کتب و مجلات علمی موجود در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی داخل کشور از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری دسترسی داشته باشد و بتواند آنرا به آسانی سفارش دهد و به سرعت و سهولت دریافت کند.

با توجه به نیاز دوره‌های تحصیلات تکمیلی به طرح‌های عمرانی در دانشگاه‌ها می‌توان با تغییر کاربری فضاهای موجود آنها رابرای دانشجویان و استادان این دوره‌ها تجدید سازمان کرد بطوری که هر دانشجوی دکترا بتواند از اتاق کار مخصوص به خود و مجهز به کامپیوتر، چاپگر، دستگاه کپی و ... برخوردار باشد و بتواند از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری به منابع علمی داخل و نیز خارج از کشور دسترسی داشته باشد و با مراکز علمی و استادان و پژوهشگران داخل و خارج ارتباط برقرار کند.

منابع

- ۱- احمدخان، منیر. «موقعیت علمی و تکنولوژی در جهان اسلام». راه پژوهش، شماره ۶ و ۷، ص ۹۸-۹۵. (۱۳۷۴).
- ۲- منصوری، رضا. توسعه علمی ایران. تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران. ص ۵۲. (۱۳۷۳).
- ۳- غنیمه، عبدالرحیم. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. ترجمه دکتر نورالله کسائی. تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۴۵-۲۴۴. (۱۳۷۲).
- ۴- دفتر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، بررسی اجمالی تحصیلات تکمیلی در ایران. ص ۸. (۱۳۷۲).

نیاز دستگاه‌ها و موسسات اجرایی کشور پیوند یابد تا هم ارتباط و همکاری متقابل دانشگاه و سایر بخش‌های جامعه تقویت گردد و هم نتایج کاربردی تحقیقات دانشگاهی در خدمت بهبود و ارتقاء کارآیی بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گیرد.

مشکلات مربوط به نحوه پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی

پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بویژه دوره‌های دکترا نیازمند یک سیاست معقول و منطقی است. برای تقویت این دوره‌ها در دانشگاه‌های داخل، می‌توان از یکسو اعزام دانشجویان به خارج را به رشته‌های خاص و مورد نیاز کشور محدود کرد و از سوی دیگر در جهت ارتقاء کیفی و روزآمد کردن دانش علمی استادان به تلاشی درخور دست زد.

تعدد مراکزی که دست‌اندر کار دوره‌های تحصیلات تکمیلی هستند، تصمیم‌گیری را بر وزارت فرهنگ و آموزش عالی که متولی اصلی آموزش عالی کشور است دشوار نموده و اتخاذ یک سیاست منطقی و معقول را در ارتباط با توسعه کمی و کیفی دوره‌های تحصیلات تکمیلی ناممکن ساخته‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه کمی و کیفی آموزش عالی در کشور نیازمند یک تعمق همه‌جانبه است و باید با نیازهای سایر بخش‌های صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از یکسو و پیشرفتهای علمی و فن‌آوری در جهان از سوی دیگر پیوند یابد. توجه به وضعیت پژوهش در کشور، تأمین نیازهای مادی و معیشتی استادان، تجهیز دانشگاه‌ها به لوازم و مواد آزمایشگاهی و کارگاهی، برقراری ارتباطات بین دانشگاهی در داخل و خارج کشور و اتخاذ یک سیاست معقول و فراگیر در زمینه گسترش و توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی از جمله اموری است که باید بدان پرداخته شود. توسعه این دوره‌ها در گروه‌های آموزشی مختلف باید متناسب با نیاز